

## تأملی بر مسئولیت بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی

سید قاسم زمانی

### مقدمه

ماهیت حقوق و تکالیف جامعه حقوقی بین‌المللی متأثر از مسائل جهانی متعددی است که در زمان حاضر حاصل موفقیتها و پیشرفتهای علمی و فنی به‌شمار می‌رود.<sup>۱</sup> بروز انقلاب صنعتی و توسعه سریع روابط، رشد نیازهای مشترک جمعی را در سطح بین‌المللی به‌دنبال داشت. این تحولات به‌تدریج حصار یگانه‌تازی کشورها را به لرزه درآورد و «جولانگری انحصاری دولتها در حقوق بین‌الملل را آماج هجوم نهادهایی قرار داد که [هرچند منبعث از اراده دولتها تلقی می‌شدند لیکن] نه می‌شد آنها را در زمره کشورها جای داد نه در مقوله افراد انسانی گنجانند».<sup>۲</sup> چنین روندی به آرامی در اواسط قرن هفدهم با تشکیل کنفرانسهای بین‌المللی

---

1. Feldman D., "International Personality", RCADI, 1985, vol. 191, p. 357.

2. Sir John fisher williams, "The Legal Character of the bank for international settlements", AJIL., 1930, vol. 24., pp. 665-666.

آغاز گردید و با ایجاد کمیسیونهای فنی و اداری، و پیدایش اتحادیه‌های بین‌المللی در نیمه دوم قرن نوزدهم تکامل یافت. بدین‌ترتیب در قرن بیستم سازمانهای بین‌المللی گوناگون با صلاحیتهای مختلف درکنار دولتها قد برافراشته و با گذشت زمان بیش از پیش در صحنه روابط بین‌المللی نفوذ کردند، تا جایی‌که دیوان بین‌المللی دادگستری که خود در بستر همین تحولات سربرآورده بود، در نظر مشورتی خویش در سال ۱۹۴۹ در قضیه جبران خسارات وارده به سازمان ملل متحد، سنگ بنای استدلال خود را اینگونه نهاد که نوع و ماهیت تابعان هر نظام حقوقی، متغیری از نیازهای آن جامعه می‌باشد.<sup>۳</sup> دیوان با این رأی خود تا حد زیادی تردیدهایی مربوط به شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی دولتی و لزوم جبران خسارات وارده به آنان را برطرف کرد و به سازمان اجازه داد در صورت لزوم از کارمندان و مستخدمان خود درقبال دولتها حمایت شغلی بنماید و

---

3. ICJ reports, 1949, p. 178.

علیه دولت عامل خسارت طرح دعوا کند.<sup>۴</sup> اما واضح است که سازمانهای بین‌المللی به لحاظ اشتغالات<sup>۵</sup> خود و به خاطر وسایل و امکاناتی که از آنها در راه نیل به اهداف خویش سود می‌جویند، دارای این قابلیت هستند که مرتکب اعمال خلاف بین‌المللی شده و به دیگران خسارت وارد کنند. برای مثال با توجه به افزایش موارد اعزام نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد، گستره عملیات و نوع وظایف

---

۴. بدیهی است اگر سازمانی بتواند در سطح بین‌المللی خواهان و مدعی دعوا قرار گیرد اقامه دعوا علیه وی نیز بلا مانع است. قاضی کریلف در نظر مخالف خود در قضیه مذکور در این مورد ابراز داشت که اکثریت قضات دیوان، حمایت شغلی از کارمندان سازمان ملل متحد را، حتی در برابر دولت متبوع وی مدنظر داشته‌اند لیکن برای مثال وضعیت مقابل این امر که در آن دولت مذکور ممکن است حمایت از مأمور سازمان را علیه اقدامات غیرقانونی خود سازمان مطلوب و ضروری بیابد را مورد توجه قرار نداده‌اند: رك.

Ibid., diss opinion Judge krylof, p. 219.

۵. گرچه در برخی تصمیمات قضائی اشتغالات سازمانها (Functions) با اختیارات آنها (Powers) مترادف قلمداد شده‌اند اما منطقاً اشتغالات به موضوع فعالیت سازمان مربوط می‌شود لیکن اختیارات بیشتر به اقداماتی دلالت دارد که سازمان می‌تواند یا باید، اتخاذ کند. با وجود این هنگامی که اختیاری خاص برای ایفای کارکرد و اشتغالی معین ضروری می‌گردد پیوند میان اشتغالات و اختیارات سازمان اجتنابناپذیر می‌گردد. رك.

Skubiszewskik., "Implied Power of International Organizations", In Dinstein. Y (ed)., "International Law at a Time of Perplexity", Martinus Nijhoff, 1989, p. 858.

تأملي بر مسئولیت بین‌المللی ... ❖ ۲۱۹

محوه بدانها این احتمال بیش از پیش افزون گشته است. همچنین اقدامات آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و سازمان مربوط به بازرسی از تأسیسات و کارخانه‌های تولید مواد شیمیایی که در چارچوب کنوانسیون ۱۹۹۳ پاریس در مورد خلع سلاح شیمیایی پیش‌بینی شده است بالقوه امکان ورود خسارت به دیگران را در خود دارند. بی‌تردید اگر سازمان‌های بین‌المللی از حقوق و تعهدات بین‌المللی برخوردار شده و امکان اعمال آن را یافته‌اند (اهلیت تمتع و استیفا) باید این نکته اساسی را مورد توجه قرار داد که به‌زعم پروفیسور ماکس‌هوبر، در قضیه اتباع بریتانیایی منطقه اسپانیایی مراکش، نتیجه ضروری و لازمه یک حق مسئولیت است و کلیه حقوق دارای خصیصه بین‌المللی متضمن مسئولیت بین‌المللی هستند.<sup>۶</sup>

اصول و قواعد ناظر بر مسئولیت بین‌المللی آثار حقوقی نقض دیگر قواعد حقوق بین‌الملل اعم از قواعد قراردادی، عرفی و اصول کلی حقوقی را معین

---

6. RIAA., II, United Nations, 615, at p. 641.

می‌کنند؛<sup>۷</sup> با وجود این همان‌گونه که گارسیا آمادور مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۱۹۸۵ به‌درستی خاطرنشان ساخت: به‌دشواری بتوان در حقوق بین‌الملل موضوعی را یافت که از پیچیدگی و تشکلت مسئولیت بین‌المللی دولتها برخوردار باشد.<sup>۸</sup> خوشبختانه کمیسیون حقوق بین‌الملل با مطالعه و بررسی دقیق و ممتد، در چهل و هشتمین اجلاس خود که از ششم تا ۲۶ جولای ۱۹۹۶ در ژنو برگزار شد طرح پیشنهادی راجع به مسئولیت بین‌المللی دولتها را تکمیل کرد و تا حدی [به‌عنوان تدوین و تبلور اصول و قواعد پذیرفته‌شده عرف بین‌المللی یا، دستکم دلیلی بر نظریه علمای حقوق] از این سردرگمی کاست.

با وجود این هنوز در مورد مسئولیت بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی مطالعات چندانی صورت نگرفته است. با توجه به افزایش نقش سازمانهای بین‌المللی و اهمیت اساسی مسئولیت بین‌المللی برای

---

7. Schwarzenberger G., "A Manual of International Law", London Stevens & sons, 1967, p. 173.

8. Garcia-Amador. F. V, "State Responsibility, Some New Problems", RCADI., 1958, vol. 94, p. 21.

نظام بین‌المللی، در این تحقیق سعی بر آن داریم تا از خلال رویه دولتها و سازمانهای بین‌المللی، اسناد بین‌المللی، دکترین، رویه قضایی و داوری این سؤال را دنبال کنیم که آیا سازمانهای بین‌المللی در قبال اعمال خلاف ارتكابي مأموران و ارگانهای خود از مسئولیت بین‌المللی برخوردارند یا اینکه مسئولیت بین‌المللی از محدوده روابط دولتها فراتر نمی‌رود؟ آنگاه در پی آن خواهیم بود که استقلال و پیوستگی نظام حقوقی مسئولیت بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی نسبت به مسئولیت بین‌المللی دولتها تا چه میزان است و تا چه حد می‌توان از اصول و قواعد ناظر بر مسئولیت بین‌المللی دولتها در این عرصه نسبتاً جدید استفاده کرد؟

۱

شخصیت حقوقی در هر سیستم حقوقی متغیری از ملاحظات مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سیستماتیک مربوط به

آن نظام حقوقی بوده است<sup>۹</sup> و مبین قابلیت برخورداري، پذیرش و اجرای حقوق و تعهدات می‌باشد. در نظام‌های داخلی که از تمرکز، انسجام و رشد نسبتاً کاملی برخوردارند قانونگذار با توجه به نیازهای زیست‌اجتماعی، شرایط تلقی یک نهاد را به‌عنوان شخص حقوقی معین می‌سازد، نهادی که گاه برای دیگران امری نامأنوس جلوه می‌کند (مثل شرکت یک نفره در حقوق انگلیس).<sup>۱۰</sup> بی‌تردید در این عرصه دولت به اعتبار حاکمیت خود، شناسایی چنین شخصیت حقوقی را به افراد و نهادهای تحت حاکمیت و صلاحیت خویش تحمیل می‌کند.<sup>۱۱</sup>

در حقوق بین‌الملل اصولاً یک نهاد و تأسیس حقوقی در صورتی می‌تواند دارای حقوق و تکالیف بین‌المللی شود و آنها را به اجرا گذارد که شخصیت حقوقی بین‌المللی داشته باشد. در قضیه جبران خسارات وارده به ملل متحد، دیوان

---

9. Institute of International Law, "The legal Consequences for Member States of the Nonfulfilment by International Organizations of Their Obligations toward Third Parties", Yearbook (YIIL.) 1995. Vol. 66, Zemanek, p. 326.

10. Pennington R.R., "Company Law", Sixth ed., Butterworths, 1990, pp. 39-40.

11. Cheng Bin, "Introduction to Subjects of International Law", In Bedjaoui M., "International Law: Achievements and Prospects", Unesco., 1991, pp. 34-35.

بین‌المللی دادگستری چهار شرط برای مسجل شدن شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان تعیین نمود. دیوان دریافت که منشور (۱) فراتر از صرف ایجاد مرکزی برای هماهنگی اقدامات ملل در نیل به اهداف مشترک گام برداشته است (ماده یک بند چهار) و (۲) آن مرکز را با ارگانهای خاصی تجهیز کرده و (۳) وظایفی خاص بدان اعطا کرده است. دیوان احراز نمود که (۴) سازمان در برخی جوانب وضعیتی مستقل از اعضای خود به دست آورده است.<sup>۱۲</sup>

شخصیت حقوقی دولت به علت بنا شدن بر حقوق بین‌الملل عام فارغ از قید و بند است،<sup>۱۳</sup> ولی شخصیت حقوقی سازمانها فقط در محدوده اهداف و اشتغالاتشان، یعنی براساس معاهده مؤسس سازمان موجودیت می‌یابد.<sup>۱۴</sup> استقرار شخصیت حقوقی هر

---

12. Rama-Montaldo M., "International Legal Personality and Implied Powers of International Organizations", BYIL., 1970, p. 125.

۱۳. شاید به همین خاطر است که ماده ۲ طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولتها هر دولتی را به علت ارتکاب عمل خلاف بین‌المللی دارای مسئولیت بین‌المللی تلقی کرده است: رک.

Ginther K, "International Organizations, Responsibility", Encyclopedia of Public International Law (EPIL), 1983, vol. 5., p. 162.

14. Bindschedler R. L, "International Organizations, General Aspects", EPIL., 1983, vol. 5., p. 130.



سازمان بر مبنای حقوق بین‌الملل خاص، به دلیل پوزیتیویسم حقوقی تأثیری اساسی در ممانعت از تجلی عینی آن شخصیت حقوقی در عرصه بین‌المللی داشته است. بر این اساس جز در مورد سازمان ملل متحد<sup>۱۵</sup> که به علت عضویت قریب به اتفاق کشورها در سازمان، و ماهیت اهداف و اشتغالات، شخصیت حقوقی عینی آن<sup>۱۶</sup> توسط دیوان

---

۱۵. شایان ذکر است که گرچه به هنگام تأسیس سازمان ملل متحد تا حد زیادی بر سر این نکته اتفاق نظر بود که سازمانهای بین‌المللی می‌توانند شخصیت بین‌المللی مستقل از دول عضو داشته باشند اما در مورد اعطای صریح اهلیت بین‌المللی کامل به سازمانها تردید وجود داشت. برخورد محافظه‌کارانه ماده ۱۰۴ منشور ملل متحد علت این تردید بارز می‌باشد. این ماده عمده‌اً از اشاره صریح به شخصیت حقوقی بین‌المللی ملل متحد امتناع ورزیده است. رک.

Lauterpacht H., "The Subjects of the Law of Nations", *The Law Quarterly Review*, 1947, vol. 63., p. 447.

۱۶. پروفیسور بین‌چنگ ضمن اذعان به احترام زیادی که برای رأی دیوان در قضیه جیران خسارات قائل است ادعای دیوان را در مورد شخصیت عینی ملل متحد عاری از حقیقت قلمداد می‌کند. به اعتقاد وی دیوان خود، حق سازمان را برای طرح دعوا بر نقض عهد دولت غیرعضو در قبال سازمان مبتنی ساخته است. بی‌تردید در وارد شدن به چنان تعهدی دولت غیرعضو قبلاً شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان و اهلیت آن را برای تضمین رعایت حقوق خود مورد شناسایی قرار داده است (op.cit., p. 37). به نظر می‌رسد این استدلال پروفیسور چنگ تا آنجا که به نقض تعهدات قراردادی میان سازمان و دولت غیرعضو مربوط شود راست بنماید زیرا در تکوین چنین تعهداتی طرفهای آن دستکم به‌طور ضمنی شخصیت حقوقی یکدیگر را شناسایی کرده‌اند. لیکن در مورد تعهدات غیرقراردادی به علت فقدان رابطه صریح قبلی، بعید است بتوان قائل به چنین شناسایی شد. جدای از این

**تأملی بر مسئولیت بین‌المللی ... ❖ ۲۲۵**

بین‌المللی دادگستری مورد شناسایی قرار گرفت،<sup>۱۷</sup> چنین امری در مورد سایر سازمانهای بین‌المللی مصداق ندارد<sup>۱۸</sup> و دول غیرعضو الزامی به پذیرش شخصیت حقوقی بین‌المللی آن سازمانها نداشته و شناسایی چنین شخصیتی توسط آنها عنصری لازم تلقی می‌شود.<sup>۱۹</sup>

برخی معتقدند سازمانهای بین‌المللی زمانی موجودیت می‌یابند که ما با ارگانهای بین‌المللی مواجه باشیم که تابع صلاحیت هیچ کشوری نباشند و نه از طرف دولتها بلکه مستقلاً تعهداتی را بپذیرند. این عوامل مبنای موجودیت عینی سازمان را تشکیل می‌دهند؛ و از این رو این واقعیت که معاهده مؤسس سازمان اثری نسبت به ثالث ندارد مسئله‌ای بی‌ربط می‌باشد. به همین خاطر دیوان عالی ایالت نیویورک در دعوای شورای بین‌المللی قلع

---

نکته در تحکیم شخصیت عینی ملل متحد می‌توان به بند ۶ ماده ۲ منشور استناد کرد که مقرر می‌دارد: «سازمان مراقبت خواهد کرد کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند، تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضرورت دارد برطبق این اصول عمل نمایند».

17. ICJ Reports, 1949, p. 185.

18. Kindred H. M., "The Protection of Peacekeepers", Canadian Yearbook of International Law (CYIL), 1995., p. 278.

19. Bindschedler, loc. cit.

عليه Amalgamet Inc بدون ملاحظه اين امر كه ايالات متحد عضو شانزدهمين موافقتنامه بين‌المللي قلع نبود و قانوني داخلي براي شناسايي موجوديت و وضعيت آن شورا در امريكا به تصويب نرسانده بود شوراي بين‌المللي قلع را از نظر قانون امريكا يك نهاد حقوقي تلقي كرد.<sup>۲۰</sup> پُر واضح است كه دادگاه عالي نيويورك كار كرد و عمل كرد شوراي بين‌المللي قلع را در سطح بين‌المللي مطمح نظر قرار داده است و بر اين ضرورت توسل جسته است كه «وقتي هيچ سيستم نهاديني براي شناسايي و ثبت تجمعات، به‌عنوان اشخاص حقوقي وجود نداشته باشد ملاك اساسي در اين مورد معيار شغلي و كاركرد است».<sup>۲۱</sup>

برخي حتي گام را از اين حد نيز فراتر نهاده، معتقدند كه سازمانهاي بين‌المللي همانند دولتها داراي اهليت حقوقي ذاتي براي اجراي هرگونه عمل حاكمه يا بين‌المللي هستند به شرط آنكه عملاً قادر به اجراي آن باشند.<sup>۲۲</sup> با وجود

---

20. Perkerr LJ 3 A.E.R., 1980 at 297, In YIIL., op. cit., p. 276.

21. Brownlie. I "Principles of Public International Law", Oxford, 1990, p. 680.

22. Finn Seyersted, "Objective Personality of Intergovernmental Organizations", 1963, pp. 28-29.

این به‌خوبی پیداست که حقوق و تکالیف یک سازمان بین‌المللی به اهداف و اشتغالات صریح یا ضمنی آن که در سند مؤسس ذکر شده است یا از رهگذر رویه سازمان توسعه یافته، محدود می‌شود؛ درحالی‌که دولت دارای اهلیت کامل می‌باشد.<sup>۲۳</sup> چنین تلاشی برای آنکه دولتها و سازمانهای بین‌المللی را به‌عنوان تابعان حقوق بین‌الملل در یک سطح قرار دهد منجر به انتقال خودسرانه و تصنعی مفاهیم از یک عرصه به قلمروی دیگر می‌شود. نویسنده مذکور این واقعیت غیرقابل انکار را نادیده گرفته است که اساسنامه‌های سازمانهای بین‌المللی نه فقط اهداف سازمان را به‌دست می‌دهند بلکه اشتغالات آن را نیز معین می‌کنند.<sup>۲۴</sup> در این‌مورد می‌توان به نظر مشورتی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه کمیسیون اروپایی دانوب استناد کرد که اعلام شد از آنجا که کمیسیون اروپایی نه یک دولت، بلکه یک شخص بین‌المللی است، فقط

---

23. Menon p. k., "International Organizations as Subjects of International Law", *Revue de Droit International de Sciences Diplomatiques et Politiques (RDISDP)*, 1992, vol. 70, No. I, p. 64.

24. Rama – Montaldo, *op. cit.*, pp. 120-121.

داراي کارکردهايي است که از رهگذر  
اساسنامه کمیسیون جهت تحقق هدفی خاص  
برای آن پیش‌بینی شده باشد.<sup>۲۵</sup>

## ۲

شخصیت حقوقی به معنای اهلیت  
برخورداری از حقوق و تابع تکالیف  
قانونی واقع شدن، انجام اعمال حقوقی،  
اقامه دعوا و تحت تعقیب قرارگرفتن  
است.<sup>۲۶</sup> آثار شخصیت بین‌المللی سازمان  
شامل اشتغالات، وظایف، حقوق، امتیازات و  
مسئولیتها می‌شود.<sup>۲۷</sup> به همین لحاظ در  
پاراگراف مقدماتی کنوانسیون ۱۹۸۶ وین  
راجع به معاهدات میان دولتها و  
سازمانهای بین‌المللی و بین خود  
سازمانهای بین‌المللی جنبه کارکردی  
شخصیت حقوقی سازمانهای بین‌المللی مبنای  
صلاحیت آنها در عقد معاهده قرار گرفته  
است، زیرا اهلیت انعقاد معاهده برای  
اعمال وظیفه و اجرای اهداف سازمانها

---

25. PCIJ., 1927, ser B, No. 14, p. 64.

26. Kelsen. H., "The Law of the United Nations", London Stevens, 1957, p. 329.

27. Bowett D. W., "The Law of International Institutions", London, Stevens, 1982, p. 339.

تأملي بر مسئولیت بین‌المللی ... ❖ ۲۲۹

ضروري قلمداد شده است.<sup>۲۸</sup>

بي‌ترديد يکي از تجليات شخصيت حقيقي، مسئوليت در اثر نقض حقوق بين‌الملل است؛<sup>۲۹</sup> منتهاي مراتب اگر سازماني بين‌المللي واجد شخصيت حقيقي جداگانه و مستقلي از دول عضو خود باشد منطقاً مسئول اعمال خود تلقي مي‌شود.<sup>۳۰</sup>

ديوان بين‌المللي دادگستري در قضيه جبران خسارات وارده به سازمان ملل متحد در اين مورد ابراز داشت که برخورداري سازمان ملل متحد از شخصيت بين‌المللي به معنای آن است که سازمان قادر به دارا بودن حقوق و تعهدات بين‌المللي مي‌باشد.<sup>۳۱</sup> براي مثال سازمان مي‌تواند مستقلاً به عقد معاهدات بين‌المللي با ديگر دولتها يا سازمانهاي بين‌المللي مبادرت ورزد (ماده ۶ کنوانسيون ۱۹۸۶ وين).

اما آيا استقلال سازمان و انفکاک شخصيت حقيقي آن از دول عضو به معنای

---

28. Morgens tern. F., "The Convention on the Law of Treaties between States and International Organizations or between International Organizations", In Dinstein, op. cit., p. 441.

29. Brownlie I., "International Law at the Fiftieth Anniversary of the United Nations", RCADI, 1995, vol. 255, p. 52.

30. YILC., 1975, vol. I, p. 46, Para. 35.

31. ICJ Reports, 1949, pp. 174-179.

نفي كامل مسئوليت بين المللي دولتهاي عضو درقبال اعمال خلاف بين المللي سازمان ذي ربط مي باشد؟ برخي بر اين باورند كه بر اساس نظامهاي حقوقي ملي مي توان شرکتهاي با مسئوليت محدود ايجاد کرد. اين امر اشخاص طبيعي را تحت شرايط خاصي قادر به ايجاد شخصيتي حقوقي مي کند كه ديگر آنها خود شخصاً مسئول اعمال آن نهاد جديد نيستند؛ اما در حقوق بين الملل چنين مقرراتي به چشم نمي خورد. بر اين اساس حتي اگر سازمانهاي بين المللي به عنوان اشخاص بين المللي طبق حقوق بين الملل مسئول اعمال باشنند كه انجام مي دهند اين امر نمي تواند نافي مسئوليت فرعي دول عضو باشد.<sup>۳۲</sup>

در همين راستا حتي برخي پاي را فراتر نهاده اند. در مذاكراتي كه منجر به اتخاذ كنوانسيون راجع به مسئوليت بين المللي براي خسارت ناشي از اجسام فضايي (۲۹ مارس ۱۹۷۲) گرديد، كشورهاي بلوك شرق منكر اين امر بودند كه سازمانهاي بين المللي، موجوديتي مجزا از اعضاي خود داشته باشنند، و معتقد بودند

---

32. Schermers H., "International Institutional Law", Sijthoff, 1980, p. 780.

که صرف عضویت در سازمانی بین‌المللی تغییری در تعهدات ناشی از فعالیت‌های فضایی دول عضو ایجاد نمی‌کند.<sup>۳۳</sup> این نظر در آرای قضائی و داوری نیز تا حدی مورد پیروی واقع شده است. در قضیه Westland Helicopters Ltd. v. Arab Organization for Industrialisation که در سال ۱۹۸۴ در ائتلاف بازرگانی بین‌المللی (ICC) مورد رسیدگی قرار گرفت مسئله شخصیت حقوقی سازمان خوانده و مسئولیت غیرمستقیم چهار دولت عضو آن مطرح گردید. محکمه داوری در رأی نهایی خود خاطرنشان ساخت که انتساب صریح شخصیت حقوقی به سازمان مذکور، به معنای استثنای مسئولیت چهار دولت عضو نمی‌باشد. به اعتقاد دادگاه در فقدان مقرراتی صریح یا ضمنی جهت رفع مسئولیت دول عضو، این مسئولیت باقی است، زیرا به‌عنوان قاعده‌ای کلی کسانی که در معاملات دارای ماهیت اقتصادی شرکت دارند مسئول ایفای تعهدات ناشی از آن معاملات می‌باشند. این قاعده از اصول کلی حقوقی

---

33. E. g. Romania, A/AC. 105 c. 2/SR. 121, p. 2/Bulgaria, Ibid, SR, 122, p. 5., In Foster. W. F., "The Convention of International Liability Caused by Space Objects", CYIL., 1972, pp. 179-183.



و حسن‌نیت نشأت می‌گیرد.<sup>۳۴</sup>

همچنین در دعوای مربوط به شورای بین‌المللی قلع که در سال ۱۹۸۸ به دادگاه استیناف انگلستان رسید، قاضی Nourse در مخالفت با اکثریت ابراز داشت که انتساب شخصیت حقوقی به سازمانی بین‌المللی ضرورتاً اعضای سازمان را از مسئولیت ایفای تعهدات آن سازمان معاف نمی‌سازد، زیرا زمانی که دولت‌ها مشارکت و کنترل گسترده‌ای را در امور سازمانی اعمال می‌کنند فرض بر پذیرش مسئولیتهای ناشی از التزامات و تعهدات آن سازمان می‌باشد. به نظر وی حمایت از طرفه‌های ثالث، مسئولیت فرعی و ثانویه دول عضو سازمان را مطلوب و ضروری می‌سازد.<sup>۳۵</sup>

بعضی معتقدند که مسئولیت يك دولت عضو به‌خاطر تصمیمات سازمان، باید به این واقعیت بستگی داشته باشد که آیا عضو مذکور می‌توانست با اقدام خود از اتخاذ تصمیم مربوطه جلوگیری کند یا نه.<sup>۳۶</sup> پرواضح است که اگر يك سازمان

34. ILM (23), 1984, p. 1084.

35. A.E.R., 1988, 3, pp. 332-333. In YIIL., op. cit., p. 260.

36. Hohenveldern. I.S., "Responsibility of Member States of an International Organization for Acts of that Organization", In Milano-dott. A. Giuffrè (ed)., "International Law at the Time of Its Codification", Essays in Honour of Roberto Ago, vol. III, 1987, p. 420.

تأملي بر مسئولیت بین‌المللی ... ❖ ۲۳۲

داراي اراده‌اي جداگانه و مستقل باشد  
تداوم نقش دول عضو از طريق ارگانهاي  
سازمان، در حيطه مسئوليت اعضا به خاطر  
اعمال آن سازمان بايد خنثي تلقي شود.  
مضافاً بر اينکه اگر تداوم مشارکت و  
کنترل، معيار و محک مسئوليت دول عضو  
قرار گيرد اين امر توالي فاسد زيادي  
به دنبال خواهد داشت؛ از جمله اينکه  
دولت‌هاي عضو بايد فقط مسئول تصميمات  
اتخاذي در ارگانهايي باشند که در آن  
نماينده دارند و يا فقط دولت‌هايي مسئول  
تصميم منشأ خسارت قلمداد شوند که  
نماينده‌شان بدان تصميم رأي مثبت داده  
است. هرچند اغلب سازمان‌هاي بين‌المللي  
بسيط نبوده و موجوديتي مختلط دارند  
ليکن يك کل جداناپذيرند و از موجوديت  
واقعي برخوردارند.<sup>37</sup> به همين خاطر در  
قضيه مربوط به شوراي بين‌المللي قلع حکم  
داده شد که خود سازمان - و نه اعضاي آن  
- مسئول ايفاي تعهدات مي‌باشد.

علاوه بر اين به لحاظ نوع اقدامات  
شوراي بين‌المللي قلع درمقابل دادگاه  
استدلال شده بود که جبران خسارات و ساير

---

37. Higgings R., In YIIL., Ibid., p. 261.

اختیارات مربوط به شخصیت حقوقی بین‌المللی فقط در مورد سازمان ملل متحد مصداق دارد و سازمانهایی که اعمال تصدی انجام می‌دهند، نمی‌توانند پشت حجاب شخصیت حقوقی، مسئولیت دول عضو را لوث نمایند. دادگاه در حکم خود بیان داشت که البته اهداف اساسی ملل متحد کلاً متفاوت از اهداف سازمانهایی چون شورای بین‌المللی قلع می‌باشد. اما این واقعیت که شورا عمدتاً برای انجام فعالیتهای تجاری ایجاد شده درحالی‌که ملل متحد برای اهداف اداری و مشابه آن وارد قرارداد می‌شود، دلیل تمایز قائل شدن میان آنها به‌عنوان نهادهای حقوقی نمی‌شود.<sup>۳۸</sup> البته نباید فراموش کرد که تفاوت میان اعمال تصدی و حاکمیت در قلمرو برخورداری سازمان از مصونیت در مقابل دادگاههای داخلی کاملاً موجه و بجا می‌باشد، اما این تفکیک موجب تجزیه شخصیت حقوقی سازمان در قبال وقایع و اعمال حقوقی مختلف نمی‌شود.

حکم دادگاه داور در قضیه وستلند هلی‌کوپترز از قیاس سازمانهای بین‌المللی

---

38. E. R., 1988, 3, 257, at 297, In YIIL., Ibid., p. 256.

با شرکتهای تجاری در حقوق داخلی نشأت گرفته است، که در صورت سکوت اساسنامه در مورد نوع شرکت، جهت حمایت از اشخاص ثالث، فرض شده که شرکت مذکور تضامنی است (ماده ۲۲۰ قانون تجارت ایران) و اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام دیون کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت می‌باشد (ماده ۱۱۶). اما نباید از یاد برد که سازمانهای بین‌المللی باید در چارچوب خود بررسی و تحلیل شوند و قیاس آنها با شرکتهای تجاری به لحاظ تفاوت در ساختار و ماهیت و هدف، قیاسی مع الفارق می‌باشد. به همین خاطر انستیتوی حقوق بین‌الملل در قطعنامه سال ۱۹۹۵ خود، در مورد آثار حقوقی عدم اجرای تعهدات بین‌المللی سازمان در قبال طرفهای ثالث برای دول عضو سازمان، در ماده ۶ بیان می‌دارد: «هیچ قاعده عمومی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که بر آن اساس دول عضو به صرف عضویت، به صورت متقارن یا فرعی مسئول تعهدات آن سازمان بین‌المللی باشند که عضو آن هستند». ۳۹ در تأیید

---

39. YIIL., 1995, p. 466.

این نکته می‌توان به گزارش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد معاهدات منعقدہ توسط سازمان‌های بین‌المللی و اثر آنها نسبت به طرف‌های ثالث استناد کرد. مخبر ویژه کمیسیون در اولین گزارش خود در مورد حقوق معاهدات سازمان‌های بین‌المللی نظری را ابراز داشت که بعداً مورد تأیید شرکت‌کنندگان در کنفرانس وین قرار گرفت. به اعتقاد وی دولتهای عضو یک سازمان باید در مورد معاهدات منعقدہ سازمان، کم و بیش دول ثالث محسوب شوند.<sup>۴۰</sup>

بر این اساس به لحاظ برخورداری سازمان‌های بین‌المللی دولتی از شخصیت حقوقی جداگانه و مستقل از دول عضو، خود سازمان مسئول ایفای تعهدات خویش می‌باشد<sup>۴۱</sup> مگر اینکه اعضا صراحتاً چنین مسئولیتی را پذیرفته باشند. در واقع برطبق ماده ۵ قطعنامه انستیتوی حقوق بین‌الملل، راجع به آثار حقوقی عدم

---

40. YILC., 1972, vol. II., p. 197.

۴۱. حتی زمانی که سازمانی بین‌المللی منحل شود به اعتقاد شیها و امرا سینگ مطالبات طلبکاران سازمان از طریق اموال سازمان تسویه می‌شود بدون اینکه اعضای سازمان مذکور مسئولیتی در تأدیة دیوان مازاد بر دارایی سازمان داشته باشند. رک.

YILC., 1995, pp. 313, 359.

اجرای تعهدات سازمانهای بین‌المللی در قبال طرفهای ثالث برای دول عضو، چنین آثار و نتایجی با مراجعه به قواعد و مقررات سازمان یعنی سند مؤسس، اصلاحیه‌های آن، مقررات اتخاذی برطبق سند مؤسس، تصمیمات و قطعنامه‌های لازم‌الاتباع اتخاذی براساس آن اسناد و رویه مستقر سازمان معین می‌شود.<sup>۴۲</sup> برای مثال طبق بند ۲ ماده ۲۲ کنوانسیون راجع به مسئولیت بین‌المللی برای خسارت ناشی از اجسام فضایی اگر یک سازمان بین‌المللی دولتی از رهگذر فعالیت‌های فضایی باعث خسارت شود سازمان مذکور و اعضای آن که عضو این کنوانسیون هستند متفقاً و جداگانه مسئول خواهند بود. مشروط بر آنکه اولاً هر درخواست غرامت، اول به خود سازمان تسلیم شود، و فقط در صورتی که سازمان این خسارت را در ظرف شش‌ماه جبران نکرد مدعی می‌تواند برای دریافت غرامت به مسئولیت آن اعضای سازمان که طرف این کنوانسیون هستند استناد کند. با وجود این همان‌گونه که در این مورد مشاهده می‌شود خواهان حتی پس از معین

---

42. Ibid., 1996, p. 301.

شدن میزان غرامت نمی‌تواند به انتخاب خود پرداخت‌کننده آن را برگزیند، بلکه اول باید در پی دریافت غرامت از سازمان برآید، منتها در صورت کوتاهی و قصور (و به طریق اولی ناتوانی) سازمان از پرداخت غرامت می‌تواند به سراغ اعضای آن سازمان برود.<sup>۴۳</sup>

### ۳

نقطه شروع مسئولیت زمانی است که قابلیت انتساب پایان می‌یابد.<sup>۴۴</sup> بدین لحاظ قابلیت انتساب در حقوق مسئولیت بین‌المللی از مسائل بسیار حساس و مهم می‌باشد. این مفهوم در حقوق بین‌الملل تا حدی در پرتو اصلی قرار می‌گیرد که می‌توانیم آن را نمایندگی واقعی و عملی (Factual Agency) در نظام‌های حقوقی داخلی بنامیم.<sup>۴۵</sup>

مع‌هذا سازمان‌های بین‌المللی مثل دولتها، فی‌حد ذاته شخصیت‌های فعالی نیستند، بلکه در عالم واقع ارگانها و

---

43. Foster, op. cit., p. 182.

44. Starke J. G., "Imputability in International Delinquences", BYIL., 1938, p. 106.

45. Higgins, op. cit., p. 283.

کارمندان سازمان از طرف آن انجام وظیفه می‌کنند.<sup>۴۶</sup> از طرف دیگر اصولاً مسئولیت بین‌المللی متوقف بر ارتکاب عمل خلاف بین‌المللی توسط یکی از تابعان حقوق بین‌الملل می‌باشد. از این رو برای آنکه مسئولیت بین‌المللی سازمان محقق شود، عمل خلاف ارتکابی باید به سازمان مذکور منتسب شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح پیش‌نویس مواد خود راجع به مسئولیت بین‌المللی دولتها، انتساب رفتار ارگان عمل‌کننده در اهلیت و ظرفیت خود (مواد ۵ و ۱۰) و اشخاص یا گروههایی که عملاً از

---

۴۶. در تعریف واژه کارمند یا مستخدم سازمان بین‌المللی می‌توان به نظر مشورتی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی راجع به صلاحیت سازمان بین‌المللی کار استناد کرد. به نظر دیوان مأمور یا کارمند سازمان عبارت است از هر شخصی که - چه رسماً از سازمان حقوق دریافت نماید یا خیر و به‌طور دائم برای سازمان کار کند یا به‌صورت موقت به‌وسیله ارگان سازمان عهده‌دار انجام یا کمک به اجرای وظایف آن ارگان شده باشد؛ و به‌طور خلاصه هر شخصی که سازمان از رهگذر آن عمل نماید. [PCIJ., 1926, ser B, No. 13, p. 18] در مورد توصیف یک ارگان یا مأمور دولتی براساس ماده ۵ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل معیار حاکم نظام حقوقی داخلی دولت مربوطه می‌باشد. منتهای مراتب باید توجه داشت که در این مورد به شکل و ظاهر نظام حقوقی آن دولت اکتفا نمی‌شود زیرا در مواقع ضروری این وضعیت بویژه در مورد افراد غیر رسمی مصداق می‌یابد. به همین‌خاطر در بسیاری از موارد آنچه یک ارگان یا مأمور دولتی قلمداد می‌شود موضوعی عینی و واقعی است. رک.

Brownlie I., "System of the Law of Nations, State Responsibility", part I, oxford., 1983, p. 136.



طرف آن دولت اقدام می‌کنند (ماده ۸) را به آن دولت، منوط به قانون داخلی ندانسته است. به نظر می‌رسد چنین امری قابل قیاس با يك سازمان بین‌المللی می‌باشد.<sup>۴۷</sup>

مسئولیت بین‌المللی و قابلیت انتساب عمل به سازمان براساس اصل کنترل مؤثر، تقویم و ارزیابی می‌شود و اهلیت حقوقی محدود هر سازمان در این مورد باید مطمح نظر واقع شود.<sup>۴۸</sup> در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه خاطر نشان ساخت: برای آنکه کمک‌های امریکا به شورشیان کنتررا، باعث شود که ایالات متحد مسئولیت اعمال آنها را به دوش کشد باید ثابت گردد که آن دولت بر عملیات نظامی و شبه نظامی‌ای که در جریان آن نقض‌های ادعا شده صورت گرفته، کنترل مؤثر داشته است.<sup>۴۹</sup> آشکار است کنترلی که يك دولت در قلمرو خود اعمال می‌کند انحصاری و وسیع

---

47. Gaja G., "some Reflections on the European Community's International Responsibility", In schermers H.G., Heukels T and Mead. ph. (eds), "Non-contractual Liability of the European Communities", Martinus Nijhoff, 1988, p. 170.

48. Eagleton C., "International Organizations and the Law of Responsibility", RCADI, 1950, vol. 76, pp. 399-403.

49. ICJ Reports, 1986, pp. 64-65.

می‌باشد؛ و به همین‌خاطر حقوق بین‌الملل مسئولیت گسترده‌ای بر آن دولت در مورد وقایع محقق شده در داخل سرزمین خود تحمیل می‌کند. لیکن به‌علت محدود بودن دامنه و قلمرو کنترل سازمانهای بین‌المللی، مسئولیت احتمالی آنها نسبتاً کمتر از مسئولیت یک دولت است.<sup>۵۰</sup>

بر اساس نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر ماده ۱۳ طرح پیشنهادی راجع به مسئولیت دولتها، اعمال ارگانهای یک سازمان بین‌المللی که متضمن نقض تعهد بین‌المللی آن سازمان باشد منشأ مسئولیت آن سازمان به‌شمار می‌رود و برای اینکه نتیجه عمل ارگان یا مأمور، دامنگیر خود سازمان شود، آنها باید در آن مورد خاص در حیطه صلاحیت و در قالب اهلیت خود عمل کرده باشند، یعنی به نام و از طرف سازمان در اعمال اشتغالات و تحت‌کنترل انحصاری سازمان اقدام کرده باشند.<sup>۵۱</sup> به همین‌خاطر معاهدات مؤسس جوامع اروپایی صریحاً مقرر داشته‌اند که جوامع مسئول خساراتی می‌باشند که توسط کارمندان آنها

---

50. Eagleton., Ibid., p. 386.

51. YILC., 1975., vol. II, p. 90.

در اجرای وظایفشان ایجاد شده است (بند ۳ ماده ۳۱۵ معاهده جامعه اقتصادی اروپا، بند ۳ ماده ۱۸۸ اورتوم و ماه ۴۰ بند ۲ جامعه ذغالسنگ و فولاد). با وجود این فقط اعمال رسمی کارمندان می‌تواند منجر به مسئولیت جوامع شود<sup>۵۲</sup> و نه اقداماتی که آنها در مقام افراد خصوصی و در آن سِمَت انجام داده‌اند. در مورد مفهوم و قلمرو «اعمال انجام شده در حیطه وظایف کارمندان جوامع اروپایی» آرای متعددی از طرف محاکم داخلی کشورهای عضو و دیوان دادگستری جوامع اروپایی، با توجه به نوع مأموریت‌های محوله و زمان انجام آنها به‌ویژه در مورد تصادفات رانندگی صادر شده است. نکته جالب‌توجه آن است که دیوان دادگستری جوامع با توجه به لزوم جبران خسارت زیان‌دیدگان، و این واقعیت که اعمال اجرا شده در حیطه وظایف کارمندان، تحت سیطره اصل مصونیت قرار می‌گیرد همواره سعی کرده است که عمل رسمی را به‌صورتی مضیق تفسیر نماید.

---

52. Schermers H. G, "Official Acts of Civil Servants", In schermers, Heukels and Mead, op. cit., p. 75.

دیوان با مقرر داشتن این امر که عمل در سمت رسمی فقط در مواردی استثنایی می‌تواند صورت پذیرد که عمل مذکور نتواند به طریقی دیگر تحت اختیار جامعه و توسط کارمندان خود آن انجام شود؛ شدیداً مفهوم عمل رسمی را به‌خاطر مانع مصونیت محدود کرده است.<sup>۵۳</sup> این سیاست قضائی دیوان متأثر از ملاحظات منصفانه و لزوم جبران خسارت از زیاندیدگان بوده است.

نباید فراموش کرد که عمل اجرایی مأمور در تجاوز از حیطه صلاحیت خویش یا در عدم تبعیت از فرامین دولتی نیز به دولت وی منتسب می‌شود، در غیر این صورت مسئولیت بین‌المللی دولت به سرابی بیش نمی‌ماند؛ زیرا به مأمور دولت به‌ندرت دستور یا اجازه داده می‌شود که مرتکب عمل خلاف شود. آنچه مهم است آن است که مأمور در ظاهر در سمت ارگان آن دولت عمل کرده باشد، خواه به‌لحاظ آنکه چنان امری در حین اعمال وظایفشان صورت گرفته، یا تحت پوشش ماهیت رسمی عمل وی

---

53. Second Sayag case. 9/69, 1969, E.C.R., In Ibid., p. 79.

محقق گردیده است.<sup>۵۴</sup> چنین نکته‌ای منطقیاً در مورد مأمورین و کارمندان سازمانهای بین‌المللی نیز مصداق می‌یابد؛ زیرا استواری پیوند میان کارمندان بین‌المللی با سازمان خود کمتر از رابطه بین یک مأمور و دولت وی نیست. در تأیید این امر می‌توان به ماده ۱۰۰ منشور سازمان ملل متحد استناد کرد که نه فقط لازم می‌دارد کارمند سازمان دستورات دولت متبوع خود را رد کند و فقط در انجام وظایف از سازمان کسب تکلیف کند؛ بلکه مقرر داشته است که کشورهای عضو سازمان هیچ کنترلی را بر اتباعشان در ایفای وظیفه خود به‌عنوان کارمندان ملل متحد روا نمی‌دارند.

انتساب اعمال خلاف مأمورین سازمان بین‌المللی به سازمان مربوط در اقدامات نیروهای حافظ صلح ملل متحد و پذیرش مسئولیت کارهای آنها توسط سازمان ملل کاملاً مشهود است. اما باید توجه داشت «تا آنجا که به مسئولیت ملل متحد در این مورد مربوط می‌شود باید میان اعمال

---

54. Aréchéage E. J. and Tanzi A., "International State Responsibility", In Bedjaoui., op. cit., p. 358.

مجرمانه براساس قانون داخلي کشور متوقف فیه؛ که از وظایف رسمي اعضاي نیرو نشأت نمی‌گیرد (مثل تجاوز به عنف و سرقت)؛ و اعمالی که در قالب وظایف رسمي انجام شده است قائل به تمایز گردیم. در مورد اول اصولاً تنها تعهد ملل متحد آن بوده که تمام قدرت و توان خود را برای تحقیق در مورد جرم ادعا شده به‌کار گیرد و اصرار ورزد که کشور ذی‌ربط شرکت‌کننده در عملیات، تعهد خود را در مجازات مجرم عملي سازد. مواد ۱۳ و ۲۹ راجع به مقررات ناظر بر نیروهای ملل متحد در کنگو حاکی از آن هستند که مسئولیت نهایی برای عمل انضباطی و تنبیه کیفری هر دو به عهده مقامات دولت شرکت‌کننده می‌باشد. در مورد دوم که اعمال مجرمان اقدامات رسمي هستند روشن است که ملل متحد باید پذیرای مسئولیت ناشی از این اعمال باشد»<sup>۵۵</sup>. برای مثال در این مورد می‌توان به موافقتنامه‌های منعقد شده توسط ملل متحد در ۱۹۶۵، ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ با بلژیک، یونان، ایتالیا، لوکزامبورگ و سوئیس در مورد

---

55. Bowett D. W., "United Nations Forces, A Legal Study of United Nations Practice", London, Stevens & sons, 1964, p. 246.

پرداخت غرامت به خاطر خسارات وارده به اشخاص و اموال اتباع آن کشورها، در اثر عملیات نیروهای ملل متحد در کنگو اشاره کرد. در واقع از این رهگذر سازمان ملل متحد با اثبات این امر که مأمورین سازمان واقعاً باعث خسارت غیرموجه به دیگران شده‌اند مسئولیت اعمال آنها را پذیرفت. مع‌هذا در این مورد ملل متحد فقط مسئولیت ناشی از اعمال تحت اختیار خود را عهده‌دار گردید. «سازمان هیچ‌گونه مسئولیتی را در مورد خدمه هواپیماهای دولتهایی که، برای حمل ملزومات ملی مورد نیاز واحدهای خود در کنگو به‌کار گرفته شده بودند را نپذیرفت».<sup>۵۶</sup> خلاصه کلام آنکه در این مورد دو فرض را می‌توان مطرح ساخت. یکی آنکه اعمال موجد خسارات اقداماتی غیرقانونی یعنی خارج از حیطه اختیارات و مأموریت‌های نیرو بوده‌اند. دوم آنکه آن اعمال ناقض اصول و روح حاکم بر کنوانسیون‌های عام بین‌المللی باشند که در مورد رفتار پر سنل نظامی قابل اعمال هستند. چنین اعمالی مبنای دعوایی صحیح برای مطالبه غرامت از ملل

---

56. Seyersted Finn, "United Nations Forces, Some Legal Problems", BYIL., 1961, p. 421.

متحد را تشکیل می‌دهند، مشروط بر آنکه به ملل متحد قابل انتساب باشند خواه به دلیل آنکه در اجرای وظایف رسمی صورت گرفته‌اند، تحت اختیاری ویژه محقق شده‌اند یا با تأیید بعدی ملل متحد که از رهگذر دبیرکل یا احتمالاً افسر یا فرمانده مسئول عمل می‌کرده‌اند مواجه شده باشند.<sup>۵۷</sup>

همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر اساس اصول کلی حقوقی، همواره مسئولیت خسارات ناشی از قصور آژانس یا کارمندان خود را در حین انجام وظایف خویش پذیرفته است. شایان ذکر است که در دو وضعیت ممکن است دعوی راجع به مسئولیت آژانس طرح شود. اول آنکه فعالیت‌های آژانس در داخل سرزمین یک دولت باعث ایجاد سانحه منجر به خسارت به اشخاص یا اموال شود. چنین امری ممکن است ناشی از اعمال بازرسان آژانس یا تجهیزات تعبیه شده آنها در تأسیسات هسته‌ای باشد. دوم خساراتی که به خاطر افشای اسرار تجاری، صنعتی یا دیگر اطلاعات محرمانه تحصیل شده توسط آژانس ایجاد می‌گردد. کلیه

---

57. Bowett, Ibid., pp. 246-247.



موافقتنامه‌های منعقدۀ آژانس با دولتها، متضمن تعهدات آژانس در مورد رفتار و عملکرد بازرسان و حمایت از اطلاعات تحصیل شده می‌باشد. آژانس ملزم شده است که در صورت نقض این تعهدات به دولت زیان‌دیده غرامت بپردازد.<sup>۵۸</sup>

برخی مواقع يك دولت از رهگذر توافق با سازمان، مسئولیت ناشی از اعمال کارمندان و مأموران آن را عهده‌دار می‌گردد، مثل موافقتنامه ۲۱ می ۱۹۶۸ میان سازمان ملل متحد و برخی آژانسهای تخصصی آن با دولت استرالیا. به‌خوبی پیداست که این‌گونه موارد منصرف از مسئله انتساب عمل خلاف سازمان به دولت دیگر بوده، بلکه موضوع صرفاً پذیرش آثار و نتایج عمل سازمان توسط آن دولت از رهگذر معاهده‌ای خاص می‌باشد. چنین امری در چارچوب مسئولیت غیرمستقیم یا مسئولیت ناشی از عمل دیگری جای می‌گیرد.<sup>۵۹</sup>

میان اعمال انتسابی به يك سازمان و

---

58. Rockwood, L, "Responsibility of the International Organization and of Its Civil Servants", In Daniel Bardonnet (ed), "The Convention on the Prohibition and Elimination of Chemical Weapons: A Breakthrough in Multilateral Disarmament", RCADI, workshop, Martinus Nijhoff, 1995, pp. 376-379.

59. YILC., 1975, vol. II., p. 89.

خسارات ادعایی باید رابطه سببیت وجود داشته باشد.<sup>۶۰</sup> لیکن گاه ممکن است اسباب متعددی به انحای گوناگون باعث بروز ضرر شده باشند. از این رو باید معلوم شود که کدامیک از آنها علت حقیقی ورود خسارت بوده است. رویه قضائی دیوان دادگستری جوامع اروپایی مبین آن است که رابطه سببیت میان فعل یا ترک فعل خلاف و خسارات وارده باید مستقیم، فوری و انحصاری باشد.<sup>۶۱</sup>

بی‌تردید در صورتی که عمل خلاف کارمند و مأمور یک سازمان بین‌المللی به آن سازمان منتسب نشود و ی شخصاً باید از عهده جبران خسارات وارده برآید.

#### ۴

علیرغم این امر که کمیسیون حقوق بین‌الملل با مطالعات خود سالهاست که باب بحث راجع به مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع نشده توسط حقوق بین‌الملل را گشوده است، اما هنوز اساس مسئولیت

---

60. CASE 59/83, *Biovila v. European Economic Community*, 1984, E.C.R., 4057, at 4075.

61. CASE 153/73, *Holtz and Willemsen v. Council*, 1974, E.C.R., 675, at 693.

بين المللي، نقض يك قاعده حقوق بين الملل مي باشد (پاراگراف (ب) ماده ۳ طرح پيشنويس كميسیون حقوق بين الملل راجع به مسئوليت بين المللي دولتها).

مبنای يك التزام بين المللي، تعهد يك يا چند تابع حقوق بين الملل در قبال يك يا چند تابع ديگر مي باشد<sup>۶۲</sup> و نقض قاعده حقوق بين الملل نيز هنگامي محقق ميشود كه فعل يا ترك فعل ارتكابي، مطابق با آنچه تعهد ذي ربط لازم شمرده است نباشد (ماده ۱۶ طرح پيشنويس كميسیون).

هر سازمان بين المللي به تبع تعهدات بين المللي اي كه عهده دار شده است در صورت نقض آن تعهدات داراي مسئوليت بين المللي خواهد شد.<sup>۶۳</sup> به ديگر سخن «مسئوليت در قبال خسارت بر پيش فرض عدم مشروعيت يا غيرقانوني بودن اعمال ادعائي مبتني مي باشد. فقدان مشروعيت نيز خود متضمن يك سلسله مراتب ميان قواعد و به بيان دقيقتر مجموعه برتر از قواعد است كه درستي اعمال براساس آنها سنجيده

---

62. Thirlway H., "The Law and Procedure of the International Court of Justice 1960-1989 (Part seven)", BYIL., 1995, p. 49.

63. YILC., 1975., vol. II, p. 88.

می‌شود».<sup>۶۴</sup> این قاعده برتر در سازمانهای بین‌المللی، سند مؤسس سازمان می‌باشد که در حکم قانون اساسی سازمان بوده و معیار سنجش اعتبار اقدامات و تصمیمات سازمان، ارگانها و مأموران آن می‌باشد. برای مثال دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه هزینه‌های خاص ملل متحد، به صراحت اهداف و اشتغالات سازمان را برای احراز مشروعیت به‌کارگیری نیروهای ملل متحد؛ و حق سازمان برای ایجاد آنها را مورد توجه قرار داد. از آنجا که دیوان دریافت چنان عملی در قلمرو اشتغالات سازمان جای می‌گیرد آن عمل را قانونی قلمداد کرد.<sup>۶۵</sup> بنابراین روشن است که اثبات انتساب عمل ادعایی به سازمان، و وجود رابطه سببیت میان آن عمل و خسارات وارده مسئولیت بین‌المللی سازمان مربوط را محقق نمی‌سازد، مگر آنکه عمل مذکور به‌منزله نقض تعهدات و التزامات قراردادی و غیرقراردادی آن سازمان باشد. این مسئله به وضعیت حقوقی هر سازمان در قبال دول عضو و غیرعضو بستگی

---

64. Grabitz E., "Liability for Legislative Acts", In Schermers and others., op. cit., p. 4.

65. ICJ Reports, 1962, p. 167.

دارد و از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت می‌باشد.<sup>۶۶</sup>

همان‌طور که خاطرنشان شد، سازمان‌های بین‌المللی هویتی ذاتی نداشته و اسناد مؤسس سازمانها، علاوه بر اینکه بدانها موجودیت می‌بخشند، حیطة اختیارات و صلاحیتهای آنها را نیز معین می‌سازند. به همین خاطر «با رشد سازمان‌های بین‌المللی این فرصت فراهم آمده است تا قاعده تجاوز از حدود اختیارات (Ultra vires)<sup>۶۷</sup> در

---

66. Ginther, op. cit., p. 162.

۶۷. شایان ذکر است که میان قاعده تجاوز از حدود اختیارات و اصل سوء استفاده از قدرت [Détournement de Pouvoir] تفاوتی ظریف وجود دارد. اصل اخیر هنگامی اعمال می‌شود که شخصی که از عمل به تشخیص و صلاحدید خود برخوردار شده است، در جریان کار از این اختیار خود نه برای نقض یک مقرر قانونی، بلکه در راستای هدفی جز آنچه که مقصود بوده است استفاده کند. در واقع تمایز منطقی میان دو اصل فوق آن است که تجاوز از حدود اختیارات به عنوان عملی است خارج از حدود اختیارات اعطا شده؛ ولی دومی عملی است که در چارچوب آن قالبها، اما برای نیل به هدفی نامناسب و نادرست صورت می‌گیرد. سوء استفاده از قدرت در صورتی در مورد یک سازمان بین‌المللی مصداق پیدا می‌کند که آن سازمان در اعمال قدرت تشخیص خود (۱) شرایطی بر اعضایش تحمیل کند که برای نیل به هدفی که بدان خاطر اعطای اختیار شده، ضروری یا مناسب نباشد یا (۲) عملی اداری باشد که گرچه سند مؤسس سازمان آن را منع نکرده است اما با قلمرو و موضوعات کاری آن سازمان ناسازگار، یا خارج از آن حیطة ها می‌باشد: رك.

Fawcett J.E.S, "Détournement de pouvoir by international organizations", BYIL., 1957, pp. 311-317.

تأملي بر مسئولیت بین‌المللی ... ❖ ۲۵۳

حقوق بین‌الملل همانند نظام‌های داخلی اهمیت یابد».<sup>۶۸</sup> هرچند دیوان بین‌المللی دادگستری بنا به ملاحظات حقوقی و عملی در قضایای هزینه‌های خاص ملل متحد (۱۹۶۲) و نامیبیا (۱۹۷۱) اختیارات سازمان را با اهداف آن پیوند زد و ابراز داشت اگر سازمان عملی اتخاذ کند که برای اجرای یکی از اهداف آن مناسب باشد فرض بر آن است که چنان عملی تجاوز از حدود اختیارات سازمان نیست.<sup>۶۹</sup> با وجود این، منظور از نقض تعهد بین‌المللی، تعهد به معنای عام آن می‌باشد که محدود به نقض سند مؤسس توسط سازمان نمی‌شود. واضح است که قاعده تجاوز از حدود اختیارات اصولاً توسط دول عضو سازمان و در اوضاع و احوال خاصی قابل استناد می‌باشد، درحالی‌که دول غیرعضو سازمان، اگر به‌خاطر اقدامات سازمان متحمل خسارت شوند باید نقض حقوق بین‌الملل عام یا تخطی از قراردادهای خاص منعقد شده با سازمان را اثبات نمایند. نقش اصلی دکترین اختیارات در مورد یک

---

68. Osieke E., "Ultra vires Acts in International Organizations, The Experience of the International Labour Organization", BYIL., 1976-1977, p. 260.

69. ICJ Reports, 1962, p. 168. and 1971, p. 22.

سازمان بین‌المللی تضمین آن است که سازمان مزبور در روابط خود با دول عضو به نحو توافق شده عمل کند. این دکترین محوری اصلی برای انتساب خسارت، میان سازمان و طرفهای ثالث نمی‌باشد.<sup>۷۰</sup>

روشن است که یک سازمان بین‌المللی نمی‌تواند به منشور و اساسنامه خود به‌عنوان توجیهی برای قصور از اجرای یک تکلیف حقوقی استناد جوید.<sup>۷۱</sup> این اصل خود یکی از مستقرترین اصول موجود در عرصه مسئولیت بین‌المللی دولتها می‌باشد،<sup>۷۲</sup> که به‌لحاظ ضرورت منطقی در مورد سازمانهای بین‌المللی نیز قابل اعمال است. البته عده‌ای معتقدند نقش عملی اختیارات در وضعیتی نمایان می‌شود که یک سازمان کاملاً و به‌صورت آشکار، خارج از قلمرو وظایف و اشتغالات اساسنامه‌ای خود عمل کند. در آن صورت این استدلال که دول عضو از آن سازمان به‌عنوان حربه یا ابزاری برای اعمال خود استفاده کرده‌اند قوی‌تر خواهد بود؛<sup>۷۳</sup> و

---

70. Crawford, In YIIL., 1995, p. 335.

71. Shihata, Ibid., p. 314.

72. Thirlway, op. cit., p. 59.

73. Crawford, Loc. cit.

در نتیجه مسئولیت عمل مذکور نه برعهده سازمان، بلکه متوجه آن دسته از دولتهای عضوی است که از آن تصمیم حمایت کرده‌اند. بی‌تردید این امر فقط در صورتی مصداق عینی می‌یابد که نوعی مسئولیت متقارن یا فرعی برای دول عضو هر سازمان بین‌المللی قائل شویم.<sup>۷۴</sup> مع‌هذا حتی علی‌رغم عبور از این مانع، تجزیه اعمال دولتها در قالب یک شخصیت حقوقی واحد، خود نتایج و آثار نامطلوبی به بار می‌آورد که قبلاً بدانها اشاره داشتیم. برخی حتی گام را فراتر نهاده و معتقدند که عمل خارج از حدود اختیارات متضمن مسئولیت سازمان نخواهد بود، بلکه مستقیماً موجب مسئولیت مشترک و انفرادی دول عضو سازمان می‌شود.<sup>۷۵</sup> به‌خوبی پیداست که چنین ادعایی با اصل استقلال شخصیت حقوقی سازمان مغایر بوده و معتبر نیست.

---

74. Amerasinghe, In YIIL., op. cit., p. 360.

75. Hohenveldern, In YIIL., Ibid., p. 371.



هنگامی که دولتی مدعی است خسارت مالی یا جانی وارد به یکی از اتباع وی، ناشی از نقض یک قاعده حقوقی بین‌المللی بوده است، بر اقدامات او در زمینه حمایت سیاسی و یا قضائی اثری مترتب نیست مگر آنکه شخص خسارت‌دیده قبلاً برای احقاق حق خود به دادگاه‌های کشوری که در آنجا به او خسارت وارد شده است مراجعه و کلیه مراحل دادرسی را پیموده باشد.<sup>۷۶</sup> براساس رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اینترهاندل اگر دولتی بخواهد به ادعای نقض حقوق تبعه خود در کشور دیگر، از باب حمایت دیپلماتیک دعوی وی را علیه آن دولت طرح نماید دولت اخیر باید فرصت جبران نقض حقوق مذکور را پیشتر در چارچوب نظام حقوقی خود داشته باشد.<sup>۷۷</sup> مبنای این قاعده احترام به حاکمیت و صلاحیت داخلی دولت ذی‌ربط در رسیدگی به آن مسئله از طریق ارگان‌های قضائی یا دیگر نهادهایش می‌باشد. در غیر این صورت بیگانه فردی ممتاز تلقی شده و

---

76. YIII., 1956., p. 358.

77. ICJ Reports, 1959, p. 27.

در صورت پدید آمدن کوچکترین مشکلی با دولت محلی می‌تواند فوراً پای دولت متبوع خود را به میان کشد و از نفوذ سیاسی‌اش استفاده کند. چنین مداخله دیپلماتیک زودرس و نابهنگامی به‌منزله توهینی به استقلال حکومت محلی و اقتدار قوانین و محاکم آن تلقی می‌شود که تمام اشخاص (تحت حاکمیت و صلاحیت دولت) تابع آن هستند.<sup>۷۸</sup> قاعده طی مقدماتی مراجع داخلی در ماده ۲۲ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولتها نیز گنجانده شده است.

حال این سؤال مطرح می‌گردد همانند حمایت سیاسی‌ای که دولتها از اتباع خود در قبال دیگر دول می‌نمایند آیا قاعده مراجعه مقدماتی به مراجع داخلی در مورد سازمانهای بین‌المللی هم اعمال می‌شود؟ به دیگر سخن آیا سازمانهای بین‌المللی حق دارند که آیین‌های جبرانی برای زیان‌دیده قرار دهند و آیا وی ملزم است قبل از درخواست حمایت سیاسی از دولت متبوع خود، این مراحل را طی کند؟ پاسخ به این سؤال به‌لحاظ فلسفه

---

78. Aréchaga and Tanzi, op. cit., p. 373.

ایجاد چنین قاعده‌ای مثبت است. زیرا به لحاظ تقلیل موارد اصطکاک و برخورد میان دولتها و سازمانهای بین‌المللی، ثبات روابط بین‌المللی بهتر تأمین می‌شود. در این مورد می‌توان مجدداً به رأی دیوان در قضیه اینترهاندل استناد جست آنجا که اعلام داشت: «هرگونه تمایز میان دعاوی مختلف یا محاکم گوناگون تا آنجا که به قاعده طی مقدماتی مراجع داخلی مربوط می‌شود بی‌پایه و اساس است».<sup>۷۹</sup> بدین لحاظ دعاوی مطروحه علیه سازمانهای بین‌المللی فقط زمانی می‌تواند به عنوان دعاوی بین‌المللی طرح شود که مرحله جبرانهای داخلی طی شده باشد. پیمودن جبرانهای داخلی یک سازمان معمولاً به معنای آن است که یک دعوا باید نزد ارگان صالح آن سازمان طرح شده باشد.<sup>۸۰</sup> برخی سازمانهای بین‌المللی خود محکمه‌ای دارند که می‌تواند مسئولیت آن سازمان را احراز کرده و خسارات احتمالی را تعیین کند؛ مثل دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار و دیوان دادگستری جوامع

---

79. Ibid., p. 29.

80. Schermers, op. cit., supra note 32, pp. 937-938.

اروپايي. علاوه بر اين در مورد مسئوليت بين‌المللي جامعه اروپا، جبرانهاي مي‌تواند در داخل سيستم قضائي و اجرايي دول عضو وجود داشته باشد بويژه زماني‌که مسئوليت مبناي خود را در اعمال يا ترك فعلهاي مقامات ملي بيابد.<sup>81</sup>

با وجود اين نبايد فراموش کرد که اغلب سازمانهاي بين‌المللي داراي يك سيستم قضائي يا وسايل جبران محلي مثل دولتها نيستند تا شرط لزوم گذراندن مقدماتي مراجع داخلي در مورد آنها مصداق عيني بيابد. در چارچوب سازمان ملل متحد شخص خسارت‌ديده بايد دادخواست خود را تسليم دبیرکل سازمان ملل کند و بخش حقوقي دبیرخانه دعواي وي را تعقيب مي‌کند. حال اگر بخش حقوقي دبیرخانه دعوا را رد کند براساس موافقتنامه مقرر، اين دعواي بايد به محاکم ايالات متحد ارجاع شود (قسمت هفتم معاهده مقرر).

بديهي است که اگر يك سازمان با استناد به قاعده جبرانهاي داخلي به يك دعوا ايراد نمايد بايد خود وجود آيين‌هاي را ثابت کند که مورد استفاده

---

81. Gaja, op. cit., p. 173.

خواهان قرار نگرفته است. در این صورت اثبات بیهودگی یا عدم کفایت آن جبرانها به عهده خواهان می‌باشد.

مع هذا شایان ذکر است اگر تبعه خارجی را ملزم به مراجعه به محاکم داخلی دولت عامل خسارت می‌نماییم این امر بدان خاطر است که آن بیگانه دارای ارتباط و پیوند ارادی خاص با دولتی است که اعمالش را مورد اعتراض قرار داده است مثل اقامت در سرزمین آن دولت، مالکیت اموال مستقر در آنجا، فعالیت‌های تجاری و ...<sup>۸۲</sup> اما پرواضح است که چنین رابطه‌ای ارادی و داوطلبانه میان يك سازمان بین‌المللی و اتباع دولتها (حداقل در مورد دولت غیر مقرر) به لحاظ سکونت، اقامتگاه و محل استقرار اموال بسی دور از ذهن می‌نماید، زیرا سازمان بین‌المللی برخلاف دولت دارای سرزمین و قلمروی مخصوص به خود نیست<sup>۸۳</sup> تا چنان

---

82. Aréchaga and Tanzi, op. cit., p. 375.

۸۳. البته گاه ممکن است سازمانی بین‌المللی عهده‌دار اداره سرزمینی خاص برای مدتی معین شود. برای مثال در جریان وظایف محوله به ملل متحد توسط هلند و اندونزی که مورد تأیید مجمع عمومی هم قرار گرفت، سازمان اقدامات اجرایی موقتی را از ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۲ تا ۳۱ مارس ۱۹۶۳ در سرزمین گینه‌نو غربی (ایرینان غربی) از طریق مقام اجرایی موقتی ملل متحد تحت نظر مدیر انتصابی

پیوندهایی پدید آید. علاوه بر این جستجوی چنین رابطه ارادی در خود آن عمل غیرقانونی، دور از عقل و منطق حقوقی می‌نماید. از اینرو الزام فرد زیان‌دیده به حضور در کشور محل استقرار سازمان و توسل به مراجع مربوطه تکلیفی شاق و دور از انصاف است.<sup>۸۴</sup> در مورد دولتها در وضعیت‌های مشابه راه‌حل اتخاذی آن است که استفاده از قاعده جبران‌های محلی اختیاری باشد نه الزامی، و به صلاح‌دید شخص زیان‌دیده واگذار شود. این راه‌حل در ماده ۱۱ کنوانسیون راجع به مسئولیت بین‌المللی برای خسارت ناشی از اجسام فضایی اتخاذ شده است. همچنین این فرمول برای موارد خسارت زیست‌محیطی فرا مرزی توصیه شده است.<sup>۸۵</sup> به نظر می‌رسد تجویز

---

دبیرکل سازمان ملل متحد اعمال نمود. همچنین متعاقب قطعنامه‌های مجمع عمومی، شورای ملل متحد برای نامیبیا عهده‌دار انجام وظایف و مسئولیتهای معین در داخل آن سرزمین گردید. با وجود این نباید فراموش کرد که در این موارد اداره سرزمینی خاص به سازمانی بین‌المللی واگذار شده است و این امر یقیناً به معنای آن نیست که سرزمینهای مورد بحث قلمرو سازمان شده باشند: رك.

YILC., 1975, vol. II, p. 87.

۸۴. تردیدی نیست که چنین محظوری فقط در مورد خسارات ایجاد شده در خارج از قلمرو کشور مقرر سازمان وجود خواهد داشت.

85. Aréchaga and Tanzi, Loc. cit.

چاره اخير در مورد سازمانهاي بين‌المللي ضرورت بيشتري داشته باشد. به‌خوبي پيدا است كه هرچند قاعده طي مقدماتي مراجع داخلي در مورد سازمانهاي بين‌المللي مستثني نشده است اما در اين عرصه، حقوق بايد در جهات مختلف توسعه يابد.<sup>۸۶</sup>

## ۶

سازمانهاي بين‌المللي ماهيتاً ناچار هستند در قلمرو دولتها مستقر گردند و يا تشكيل جلسه دهند؛ و در نتيجه اعمال ارگانها و كارمندان آنها در سرزمين تحت صلاحيت يا كنترل يك دولت محقق مي‌شود. به‌عنوان قاعده‌اي كلي دولتها از رهگذر انعقاد موافقتنامه‌هاي خاص با سازمانهاي بين‌المللي بدانها اجازه مي‌دهند تا در سرزمين آنها مستقر گردند و به انجام فعاليتهاي معين مبادرت ورزند. اما براي آنكه سازمانهاي بين‌المللي از مداخله دولت مقر يا ميزبان بركنار

---

86. Trindade. C., "Exhaustion of Local Remedies and the Law of International Organizations", RDISDP., 1979, p. 108.

بمانند و بتوانند مستقلاً به اهداف خود جامه عمل بپوشانند، از مصونیت بین‌المللی برخوردار شده‌اند. بر این اساس شخصیت حقوقی سازمانهای بین‌المللی توسط مقررات راجع به مصونیتها و مزایای سازمانها تقویت شده است.<sup>۸۷</sup> در واقع برای آنکه سازمانهای بین‌المللی به‌طور مؤثر عمل کنند آنها نیازمند حداقل آزادی و امنیت حقوقی برای اموال، ساختمان مقرر، تأسیسات، پرسنل و نمایندگان مدعو دول عضو هستند.<sup>۸۸</sup> با وجود این «درحالی‌که مبنای مصونیت دولتها اصل برابری حاکمیتها می‌باشد؛ علت برخورداری سازمانهای بین‌المللی از مزایا و مصونیتها بین‌المللی در ضرورتی کارکردی نهفته است».<sup>۸۹</sup> به همین خاطر است که ماده ۱۰۵ منشور سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: سازمان و کارمندان آن از مزایا و مصونیتهایی که برای نیل به اهداف سازمان و اجرای مستقل وظایف آن لازم است برخوردار می‌باشند.

87. Friedmann W., "The Changing Structure of International Law", Columbia University Press, 1964., p. 288.

88. Brownlie, op. cit., supra note 21, p. 684.

89. Alhualia, "The Legal Status, Privileges and Immunities of the Specialized Agencies of the United Nations and Certain other International Organizations", 1964, p. 199.



در راستای ماده ۱۰۵ و در قالب ماده ۱۳ منشور، مجمع عمومی مأموریت یافت، معاهداتی را در این مورد به اعضای ملل متحد پیشنهاد کند. از این رهگذر کنوانسیون راجع به مزایا و مصونیت‌های ملل متحد مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۴۶ کنوانسیون مربوط به مزایا و مصونیت‌های آژانس‌های تخصصی در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ به امضا رسیدند. کنوانسیون وین ۱۹۷۳ نیز در مورد نمایندگی دولتها در روابطشان با سازمان‌های بین‌المللی واجد ماهیت جهانی، مقرراتی را در مورد مصونیت سازمانها و اموال آنها پیش‌بینی نمود. همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان راجع به ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی، در سرزمین دول عضو از مزایا و مصونیت‌هایی که برای اجرای وظایفشان ضروری است برخوردار شده‌اند (بند A ماده ۱۵ اساسنامه آژانس، کنوانسیون ۱۹۹۳ پاریس راجع به خلع سلاح شیمیایی، ماده ۸ بند E پاراگراف ۴۸).

واضح است که هر عملی که صدور آن از جانب دولت بتواند مسئولیت‌زا باشد اگر از جانب يك سازمان بین‌المللی انجام پذیرد نیز، مسئولیت آن سازمان را دامن

تأملي بر مسئولیت بین‌المللی ... ❖ ۲۶۵

می‌زند؛<sup>۹۰</sup> منتها برخورداری سازمانهای بین‌المللی از مصونیت باعث می‌شود که نتوان آنها را به علت ارتکاب عمل خلاف نزد محاکم داخلی تعقیب کرد یا حکم صادره را علیه آنها به اجرا گذاشت (مصونیت صلاحیتی و مصونیت اجرایی). با وجود این کشورهای عضو سازمانها، از آنها انتظار دارند که شهروندان بین‌المللی خوبی باشند؛ و به همین خاطر آنها را از پنهان شدن در پشت حجاب مصونیت‌های شغلی خود، برای گریز از ایفای مسئولیت‌های قراردادی یا غیرقراردادی‌شان منع کرده‌اند. از اینرو سازمانها فقط می‌توانند از مصونیت خود برای جلوگیری از تعقیب در یک دادگاه ملی یا مراجع نامناسب دیگر استفاده کنند.<sup>۹۱</sup> در واقع مصونیت، سازمان را از صلاحیت ایمن می‌سازد نه اینکه سدی نفوذناپذیر در برابر مسئولیت ماهوی باشد، و مصونیت از صلاحیت هیچگاه به معنای استنکاف از اجرای عدالت نبوده

---

90. Brownlie, op. cit., p. 688.

91. Szasz P. C., "The United Nations Legislates to Limit its Liability", AJIL., 1987, vol. 81, No. 3, p. 739.

است.<sup>۹۲</sup> البته باید به این نکته ظریف توجه داشت که مسئولیت بین‌المللی سازمانها معمولاً در سطح مراجع قضائی و داوری بین‌المللی مطرح می‌شود؛ مراجعی که استناد به مصونیت در قبال مسئولیت اعمال ارتكابي در نزد آنها قانوناً منتفی می‌باشد.

برخی از حقوقدانان با تمایز قائل شدن میان اعمال تصدی و اعمال حاکمیت سازمانهای بین‌المللی بر این باورند که يك سازمان بین‌المللی فقط تا آنجا تابع حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که حقوق وی واجد کیفیت اعمال حاکمیت باشد. اینها تا بدانجا پیش رفته‌اند که با طبقه‌بندی نهادهای بین‌المللی دخیل در اعمال تصدی، به‌عنوان مؤسسات بین‌الدول و نه سازمانهای بین‌المللی، آنها را فاقد شخصیت بین‌المللی قلمداد کرده‌اند.<sup>۹۳</sup> واضح است که تفاوت میان اعمال حاکمیت و تصدی طبیعتاً در چارچوب موضوع مصونیت مطرح می‌شود نه در قالب شخصیت حقوقی یا مسئولیت سازمان؛ و این ادعا که شخصیت

---

92. Rockwood, op. cit., pp. 376-387.

93. Hohenveldern I. S., "Corporations in and under International Law", 1988, pp. 72-121., In YILL., 1995, op. cit., pp. 254-255.

حقوقی يك سازمان بین‌المللی محدود به اعمال حاکمیت می‌شود هیچ حمایتی را در رویه بین‌المللی به خود اختصاص نداده است.<sup>۹۴</sup> علاوه بر این سازمانهای بین‌المللی ضمن برخورداری از مصونیت، با دست‌یازیدن به بیمه و ایجاد صندوقهای جبران خسارت تا حد زیادی اعتماد دولتها را در این عرصه جلب کرده‌اند. همچنین «اگر سازمان در مواردی معین مایل به اعراض از مصونیت خود نبوده<sup>۹۵</sup> و نیز فاقد ارگان قضائی صالح باشد آن سازمان باید بر حل و فصل دوستانه اختلاف یا داوری کردن نهد».<sup>۹۶</sup>

### نتیجه

در چارچوب هر نظام حقوقی، همه تابعان یکسان نبوده و از خصایص واحدی برخوردار نیستند. ولی آنچه مسلم است برای تابع حقوق بودن در زمره عناصر اساسی، پذیرش مسئولیت فعل یا ترك فعلی است که به‌منزله نقض قواعد آن نظام

---

94. Shihata, *Ibid.*, p. 311.

۹۵. برخی مواقع از لحاظ حقوقی، اختیار اعراض از مصونیت از سازمان سلب شده است. برای مثال براساس قسمت سوم معاهده مزایا و مصونیت‌های ملل متحد، انصراف از مصونیت اجرایی توسط سازمان ملل متحد ممنوع شده است.

96. Schermers, *op. cit.*, supra note 32, p. 780.

حقوقی به شمار می‌آید.<sup>۹۷</sup> اصل مسئولیت از اصل اجرای با حسن‌نیت تعهدات حقوقی بین‌المللی نشأت می‌گیرد، و یکی از شیوه‌های اساسی تقویت نظام حقوقی بین‌المللی مسدود ساختن راه‌گریز از مسئولیت است.<sup>۹۸</sup>

اینک عموماً پذیرفته شده است که کلیه سازمانهای بین‌المللی عام از شخصیت حقوقی بین‌المللی برخوردارند.<sup>۹۹</sup> علاوه بر این اقدامات اجرایی و عملی سازمانهای بین‌المللی بیش از پیش فزونی یافته است. به همین‌خاطر مسئولیت بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی به‌عنوان تابعان حقوق بین‌الملل و نقش بسیار مهم آنها در عرصه روابط بین‌المللی از اهمیتی ویژه برخوردار است.

با وجود این حقوق‌ناظر بر مسئولیت بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی مراحل اولیه تکوین و توسعه خود را طی می‌کند و پاسخی جامع و قانع‌کننده برای بسیاری از مسائل مطروحه در این عرصه ارائه

---

97. Menon, op. cit., p. 75.

98. Lukashuk I. I., "Introduction to Competence and Responsibility of States", In Bedjaoui., op. cit., p. 305.

99. Schermers H. G., "The International Organizations", In Bedjaoui, Ibid., p. 74.

نمی‌نماید. اینکه تا چه حد کمبودها و ابهامات حقوقی موجود در این عرصه را می‌توان با استناد به اصول کلی حقوقی، یا قیاس با حقوق مسئولیت بین‌المللی دولتها برطرف نمود مسئله‌ای است که نیاز به تأمل بیشتری دارد. کمیسیون حقوق بین‌الملل با وجود اینکه خاطرنشان ساخته که مسئولیت سازمانهای بین‌المللی ضرورتاً تابع همان قواعد حاکم بر مسئولیت دولتها نیست،<sup>۱۰۰</sup> لیکن یکسره مذکر قابل استفاده بودن اصول مسئولیت بین‌المللی دولتها در پهنه حقوق سازمانهای بین‌المللی نشده است. از این رو می‌توان با توجه به ساختار و ویژگیهای سازمانهای بین‌المللی، تا حدی از رویه‌ها، اسناد و اصول و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولتها بهره جوییم. هرچند نباید از استقلال برخی جوانب حقوق حاکم بر مسئولیت بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی غافل شد؛ با وجود این به دلیل افزایش تعداد و اشتغالات روزافزون سازمانهای بین‌المللی، تنظیم کنوانسیون‌های جامع در مورد حقوق مسئولیت بین‌المللی

---

100. YILC., 1975, vol. II, p. 90.

سازمانهاي بين المللي ضروري مي باشد .

تأملي بر مسئوليت بين المللي ... ❖ ۲۷۱